

افغانستان و پدیده فرار اندیشه‌ها

نویسنده: داوود ناظری

چکیده

پدیده فرار اندیشه‌ها و مغزها از افغانستان، وضعیت نگران‌کننده‌ی را به وجود آورده است. اکنون فرار اندیشه‌ها به اوج خود رسیده و سالانه هزاران جوان تحصیل کرده و چیز فهم، دست به مهاجرت‌های نا معلوم می‌زنند. با رفتن جوانان تحصیل کرده از کشور، افغانستان اندیشه‌های صلح طلبی، اندیشه‌های مهم اقتصادی و طراحان و سازندگان اصلی خود را از دست می‌دهد. از آنجایی که بیشترین امید و توقع مردم بر ایجاد تحول و سازندگی بر جوانان است، کم‌کم این امیدواری از دست می‌رود. نیروی قوی، قابل اطمینان، مسکلی، متخصص و شتابان کشور، در حال فرار و نابودی هستند. اگر برای کاهش فرار اندیشه‌ها از کشور، طرح‌ها و راهکارهای مؤثر روی دست گرفته نشود، پیامدها و خسارات جبران‌ناپذیری متوجه کشور و مردم خواهد گردید. در این مقاله روی مهمترین عوامل مؤثر بر فرار اندیشه‌ها و مغزها از کشور و راهکارهای مؤثر برای جلوگیری از فرار اندیشه‌ها، تحقیق صورت گرفته است. بیشتر مطالب و موضوعات این مقاله با استاده از تحقیق مصاحبه‌ای و کتابخانه‌ی جمع‌آوری شده است.

کلید واژه‌ها

فرار، اندیشه‌ها و مغزها، علل و عوامل، پیامدها و راهکارها

مقدمه

از آنجایی که افغانستان یکی از جمله کشورهای است که در سطح جهان، دارای آمار بلند فرار اندیشه‌های جوان می‌باشد و از این ناحیه به شدت متضرر شده است، بررسی عوامل فرار اندیشه‌ها و راهکارهای مربوط به آن، یکی از مهمترین موضوعات به شمار می‌رود. به همین اساس در این مقاله تلاش صورت گرفته تا به مهمترین و اساسی‌ترین مطالب در باره عوامل، پیامدها و آسیب‌های مهاجرت جوانان و راهکارهای جلوگیری و استفاده خوب‌تر از فرصت‌ها و مزایای مهاجرت پرداخته شود. تا مسوولان حکومتی، خانواده‌ها و مردم با استفاده از راهکارهای ارایه شده، بتوانند از فرار اندیشه‌ها از کشور جلوگیری کنند و با عوامل فرار مغزها مبارزه نمایند. در تمامی بخش‌ها برای تهیه معلومات دقیق و کامل، با مسوولان بخش تحقیق و پژوهش وزارت عودت مهاجرین، آگاهان مسایل جامعه‌شناسی و روان‌شناختی مصاحبه انجام شده و نتایج آن، به شکل منظم و مسلسل در این مقاله درج گردیده است.

فرار اندیشه ها چیست؟

مغزها و اندیشه ها به معنای برگزیده‌ی جوانان یک جامعه است که از نیروی علمی و تجربه‌ی بیشتر از دیگران برخوردار باشند. نخستین بار اصطلاح فرار مغزها در دهه ۱۹۶۰ میلادی مطرح شد. در آن زمان هیچ‌کس انتظار نداشت که جهان شاهد چنین سیل خروشان مهاجرت نخبگان و مغزها از کشورهای در حال توسعه به سوی کشورهای غربی باشد اما ورق‌های بعدی تاریخ این را به باور همگان رسانید. آسیب‌ها و ضررهای که از این ناحیه متوجه جوامع می‌گردد، شاید جبران آن یکی از دشوارترین کارها باشد. افغانستان نیز مدت‌ها است که در دام پدیده فرار مغزها گرفتار هستند و همه ساله تعدادی زیادی از مغزها و نخبگان از این کشور فرار می‌کنند. بر اساس گزارش منتشر شده واحد نفوس دپارتمنت امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در اکتبر ۲۰۱۳ میلادی، از میان ۳۴۷ هزار مهاجر افغانستانی ساکن در کشورهای عضو، ۷۱ هزار تن آنان را مغزها و تحصیل کرده‌ها تشکیل می‌دهند (۱).

حقوق قانونی و بشری جوانان مهاجر

در ماده ۴ قانون اساسی گفته شده که امور مربوط به تابعیت و پناهنده‌گی توسط قانون تنظیم می‌گردد. در ماده ۳۹ قانون اساسی کشور آمده است که هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر کند و مسکن اختیار نماید. هر افغان حق دارد که مطابق به احکام قانون به خارج از افغانستان سفر کند و عودت کند. دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می‌نماید. با این وجود مهاجرت‌های قانونی یکی از مهمترین حقوق اتباع کشور می‌باشد و دولت مکلف است که از حقوق مهاجرین در داخل و خارج از کشور دفاع کند. از سوی دیگر حقوق و جایگاه مهاجران از نظر اسناد و قوانین بین‌المللی نیز دور نمانده و به شکل گسترده به آن پرداخته شده است. مطابق ماده دوازدهم کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو، احوال شخصیه پناهنده‌گان، حقوق اکتسابی قبلی، احترام گذاشتن به حقوق انسانی و ذاتی آنان، حق مالکیت (۲)، مالکیت معنوی (ادبی و هنری)، مالکیت صنعتی و تجارتي (۳)، حق عضویت در اجتماعات، تشکیل سازمان‌ها و اتحادیه‌ها (۴)، حق مراجعه به محکمه، اشتغال، دسترسی به رفاه و آسایش از قبیل حق مسکن (۵)، حق تعلیمات عمومی، حقوق امور خیریه، حق بیمه اجتماعی، حق آزادی، آزادی عقیده و مذهب (۶)، حق آزادی رفت و آمد با مدارک و امتیازات، حق کسب تابعیت،

۱- وبلاک فرار مغزها- <http://tebyan-zn.ir/society.html>

۲- اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۷

۳- ده چهاردهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

۴- ماده پانزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر

۵- ماده ۲۱ کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان

۶- محسن کدیور، هفتم عقرب ۱۳۹۰.

خروج و برگشت داوطلبانه، از مهمترین حقوق مهاجران می‌باشد که در اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی ذکر شده است. در قطعنامه شماره 134 مورخ بیستم دسامبر 1993 اساس‌نامه عمومی ملل متحد بر تمامی ابعاد نظارت بر چگونگی حقوق بشری مهاجران، دسترسی آنان به عدالت رسمی و اتخاذ تدابیر جدی برای توسعه، انکشاف، وضعیت حقوقی و بهبود زنده‌گی آنان تاکید شده است. در ماده 23 اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 13 اعلامیه حقوق بشر اسلامی و همچنین ماده 6 میثاق بین‌المللی حقوق بشر در باره اشتغال و کار پناهنده‌گان تاکید شده است.

عوامل مؤثر در افزایش فرار اندیشه‌ها

در افغانستان، علل و عوامل متعددی در افزایش فرار اندیشه‌ها نقش دارد. در یک دسته بندی کلی، می‌توان عوامل مهاجرت را به دو بخش اجتماعی و روانشناختی تقسیم کرد.

الف- عوامل اجتماعی

در افغانستان عوامل زیادی اجتماعی باعث فرار اندیشه‌ها از کشور شده است. به گفته علیرضا موحدی مسوول بخش تحقیق وزارت عودت مهاجرین، افزایش ناامنی، سقوط بخش‌های از کشور به دست گروه‌های مخالف، بیکاری روز افزون، آمادگی ناکافی برای مدیریت پدیده مهاجرت، قانون‌گریزی‌ها و تبلیغ منفی دشمنان و فرهنگ‌ها و سنت‌ها نا روا، باعث فرار روز افزون اندیشه‌ها از کشور شده است^(۱). از سوی دیگر به گفته مسوولان پیشین وزارت کار و امور اجتماعی کشور، فساد اداری، غفلت از نیروی بشری، بی‌توجهی به منابع انسانی، اختلافات داخلی، عدم هماهنگی میان وزارت کار و وزارت تحصیلات عالی، نابودی زیر بناهای اقتصادی و... از مهمترین عوامل بیکاری جوانان و فرار آنان از کشور به شمار می‌رود^(۲).

ب- عوامل روان‌شناختی

از نظر استادان و آگاهان جامعه شناختی و اجتماعی، موجودیت علل و عوامل متعددی در افغانستان، باعث فرار جوانان و مغزها از این کشور شده است. استاد مرتضا صارم عوامل مهاجرت را به سه نظریه کارکرد گرای، نظریه هزینه و فایده و نظریه محرومیت نسبی جوانان تقسیم می‌کند^(۳).

نظریه کارکرد گرای: زمانی که شرایط و ساختار اجتماعی با توقعات و نیازمندی‌های جوانان مطابقت و سازگاری نداشته باشد، جوانان مجبور به مهاجرت می‌شوند. چه‌گونگی امنیت محیطی و اجتماعی، نوع ساختار اجتماعی، نحوه برخوردها و فرهنگ‌های حاکم در جامعه، در افزایش مهاجرت‌ها نقش دارد. در افغانستان ساختار اجتماعی به گونه عیار شده است که از یک تعداد افراد امتیازات گرفته می‌شود و به یک تعداد داده می‌شود یا به اصطلاح دیگر برای یک تعداد افراد چندین برابر امتیاز داده می‌شود اما تعدادی دیگر از

1- موحدی، علیرضا، مصاحبه اختصاصی، به مناسبت روز مهاجرت، در یکی از شبکه‌های خصوصی تلویزیونی

2- صاحب‌علی افتخاری، سخنگوی پیشین وزارت کار و امور اجتماعی، به تاریخ: 1394/12/11

3- صارم، مرتضی، مصاحبه اختصاصی 1395/10/29

حد اقل امکانات و امتیازات محروم است. به همین خاطر تعدادی از جوانان گرفتار محرومیت‌های نسبی می‌شوند و عرصه زندگی برای آنان تنگ می‌گردد. به طور مثال در افغانستان از لحاظ فرصت‌ها و امکانات، ولایت‌های این کشور به درجه یک، درجه دو و درجه سه تقسیم شده است. جوانان بعضی از ولایت‌ها حتا از حد اقل امکانات صحی، بهداشتی، اقتصادی، رفاه زندگی و تعلیمی و تحصیلی برخوردار نیستند.

نظریه هزینه فایده: نظریه دیگری جامعه‌شناختی در قسمت عوامل مهاجرت جوانان، بحث هزینه فایده است. معمولاً وقتی که افراد دست به مهاجرت می‌زنند، در قدم اول ضرر و فایده خودرا محاسبه می‌کنند و بعد دست به مهاجرت می‌زنند. این جوانان تصور می‌کنند که اگر مبلغ پنج هزار دالر را مصرف می‌کند وقتی که در کشورهای خارجی صاحب کار شد هم هزینه خودرا جبران می‌کند و هم سرمایه دار می‌شود. اما متأسفانه بیشتر این جوانان دچار یک محاسبه غلط می‌شوند و فریب قاچاقبران انسان را می‌خورند. وقتی که به کشورهای خارج می‌رسند، متوجه می‌شوند که از فایده این مهاجرت ضرر اش بیشتر بوده و تصور شان از مهاجرت نا درست بوده اند. مهاجرین افغانستان نیز در بسیاری از کشورهای بیرونی که بعد از چندین سال تا هنوز پذیرفته نشده اند، به شدت پشیمان هستند و فهمیده اند که محاسبه شان از مهاجرت اشتباه بوده است.

محرومیت نسبی افراد: نظریه سوم جامعه‌شناختی در افزایش مهاجرت، محرومیت نسبی افراد در جامعه می‌باشد. از نظر استاد صارم^(۱)، بسیاری از جوانان با توجه به چه‌گونگی سیستم اقتصادی، قضایی، حقوقی، سیاست حاکم، نوعیت قانون، سیاست‌ها و سنت‌های قبیلوی حاکم در جامعه، در محرومیت نسبی قرار می‌گیرند. شرایط حاکم در کشور با اهداف و نیازهای آنان تطابق ندارند. آرزوها و اهداف شان در جامعه تحقق پذیر نیست. به همین اساس دست به مهاجرت می‌زنند تا در کشورهای دیگر به آرزوهای خویش دست پیدا کنند. متأسفانه در افغانستان شرایط و اوضاع نا امیدکننده حاکم است و به همین خاطر بیشتر جوانان دست به مهاجرت و فرار از کشور می‌زنند. زمانی که جوانان بخاطر کاریابی به ادارات دولتی و خصوصی مراجعه می‌کنند، با دیوارهای قطور و موانع بزرگ بنام "تبعیض" مواجه می‌شوند. شاید یکی از سوالات از مراجعه‌کننده گان این باشد که تخصص شما چه است؟ اما در مراحل بعدی سوال‌ها از مسایل حزبی، سمتی، قومی و زبانی است. به طور نمونه: از کدام حزب هستی؟ از طرف چه کسی معرفی شدی؟ و از کدام مردم و منطقه هستی؟ موجودیت همین مسایل در کشور، باعث دلسردی جوانان شده و آنان به قسم اجباری دست به فرار می‌زنند.

آسیب‌ها و پیامدهای مهاجرت

با فرار روز افزون جوانان از کشور، سیاست، اقتصاد، امنیت، آموزش، فرهنگ، اخلاق، روابط خانوادگی و اجتماعی، همه چهره نگران‌کننده و انحطاط آور به خود گرفته است. پیامدهای فرار مغزها از کشور بالای همه ابعاد زندگی مردم، تاثیرات منفی بجا گذاشته است. ضعیف شدن نیروهای امنیتی و دفاعی، پایین آمدن کیفیت کارها، کند شدن روند توسعه خانواده و جامعه، بهم خوردن تعادل نفوس در کشور، ترویج انواع و اقسام فرهنگ‌های بیگانه در اثر رفت و برگشت جوانان، دوری از خانواده و دوستان، افزایش مشکلات روحی و

1- همان

روانی، پایین آمدن اعتبار دولت در سطح منطقه و جهان، کاهش سرمایه گذاری‌ها در افغانستان، خارج شدن پول‌های هنگفت از کشور، افزایش هنجارهای اخلاقی و اجتماعی، ضعف پایه های امنیتی و اقتصادی در کشور، از مهمترین آسیب‌ها و تهدیدهای مهاجرت جوانان می‌باشد.

راهکارهای مؤثر در کاهش فرار اندیشه ها

مسئولیت شناسی جوانان در قبال کشور و وطن، تلاش مسوولین حکومتی برای رفع مشکلات جوانان در افغانستان، مبارزه جدی با فساد اداری و خویش خوری‌ها، فراهم شدن زمینه کار برای جوانان بیکار، روی دست گرفته شدن طرح های قابل اطمینان برای تامین امنیت در کشور، امید بخشی به جوانان، حمایت های جدی از مهاجران در داخل و خارج از کشور، از مهمترین راهکارها برای کاهش فرار اندیشه ها از افغانستان به شمار می‌رود.

نتیجه گیری

1 - وزارت محترم عودت مهاجرین و دیگر ارگان‌های مربوطه، باید مطابق اعلامیه جهانی حقوق بشر، کنوانسیون های بین المللی 1951 پروتوکل 1967 و میثاق‌های جهانی و موافقت‌نامه های سه جانبه دولت جمهوری اسلامی افغانستان با کشورهای میزبان و کمیشنری عالی ملل متحد در امور پناهندگان، حافظ منافع حیات اجتماعی، حقوقی، اقتصادی، سیاسی و تعلیمی و تحصیلی مهاجران عودت کننده باشد. در هر صورت از فرار مغزها، تحصیل کرده ها و نخبگان کشور جلوگیری نماید. به مشکلات بی سرپناهی و بیکاری جوانان عودت کننده رسیده گی شود. دولت باید مطابق ماده 48 قانون اساسی مکلف است تا زمینه کار را که حق مسلم جوانان است، برای شان فراهم کند.

2 - مهاجرت مردم افغانستان به خصوص جوانان به کشورهای خارجی، بخاطر اوضاع نا بسامان حاکم در داخل کشور می‌باشد. فقر و بیکاری، ناامنی، تبعیض، بی عدالتی و ناامیدی از آینده، از مهمترین عوامل افزایش مهاجرت جوانان به شمار می‌رود. اگر از افزایش پدیده مهاجرت جلوگیری نشود و زمینه کار برای جوانان فراهم نگردد، افغانستان در آینده نزدیک با کمبود نیروی بشری و بهم بخوردن تعادل نفوس مواجه خواهد شد. تهدیدهای مهاجرت بیشتر از فرصت های آن بوده و دولت باید مساله حل مشکلات مهاجران و راهکارها برای جلوگیری از افزایش مهاجرت هارا در اولویت کاری خویش قرار دهد.

3 - عودت تدریجی و عزت‌مندانه‌ی مهاجرین به کشور، همکاری با خانواده ها در قسمت جا بجا شدن به مناطق شان، ایجاد شهرک‌ها برای مهاجرین بی سرپناه در کشور، حمایت های حقوقی از پناهندگان مطابق دستور قانون اساسی، ایجاد شغل و کار برای مهاجرین، استفاده از تجارب و آموخته های جوانان عودت کننده به کشور، راه اندازی برنامه های آموزشی و حرفوی برای مهاجرین واجد شرایط، تشخیص افراد دارای حرفه و مسلک‌ها در بین جوانان مهاجر، آموزش استفاده از مهاجرت در مکاتب و دانشگاه ها، تقویت فرهنگ

مهاجر پذیری در بین مردم افغانستان، بیان حقوق آنان از دیدگاه اسلام و بین الملل برای مردم، معرفی نمودن عودت کنندگان برای ادامه تعلیم و تحصیل به وزارت های مربوطه، از مهمترین راهکارها برای بهبود وضعیت مهاجرین عودت کننده به شمار می رود.

منابع

- 1 - کوئن، بروس؛ مبانی جامعه‌شناسی، غلام‌عباس توسلی و فاضل، تهران، سمت، 1369، ص 300.
- 2 - اسمیت، روناک، قواعد حقوق بین الملل بشر، ترجمه دکتر فاطمه کیهانلو، تهران، گرایش، 1387.
- 3 - ابراهیمی، سید نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول 1383
- 4 - راغب اصفهانی، تحقیق و ضبط محمد سید الکیلانی/536-537
- 8 - جعفری، یعقوب، کوثر، ج 2، ص 535:536، بی جا، بی تا
- 9- مصاحبه با علی افتخاری، سخنگوی پیشین وزارت کار و امور اجتماعی، به تاریخ: 1394/12/11
- 10 - - موحدی، علیرضا، رئیس بخش تحقیقات وزارت مهاجرین، مصاحبه اختصاصی، راه فردا، تاریخ 1395/11/10 - ساعت هشت صبح.